تصمیم گیری درباره مهاجرت و فرایند سازگاری با جامعه میزبان (ایران و کانادا)

محمد شلیله *

مقدمه :

طی دو دهه گذشته مهاجرت از ایران به سایر کشورها به نحو بی سابقه ای موضوع تصیم گیری حیاتی تعداد در خور توجهی از مردم ایران بوده است . انگیزه های متعددی علاقمندان به مهاجرت را به تصمیم گیری و اقدام در این زمینه راه برده است. اغلب اوقات ترکیبی از علل و عوامل بر شمرده بالا در تصمیم گیری افراد و خانواده ها به مهاجرت دخالت داشته است .

نتایج یک بررسی [۱] در سال ۱۹۹٤ در مورد وضعیت مهاجران ایرانی ساکن بزرگشهر تورنتو در کانادا دلایل بررسی شدگان برای مهاجرت به کانادا را به ترتیب بر حسب درصد وزنی در مجموع عوامل ذی مدخل در تصمیم گیری پاسخ گویان ، چنین گزارش کرده است :

در جستجوی زندگی بهتر ۲۳ درصد ، عدم تحمل وضع موجود (در ایران) ۲۳ درصد ، وجود امکانات بیشتر در کانادا ۱٦ درصد ، وجود مشکلات سیاسی (در ایران) ۱۲ درصد ، تشویق دیگران ۱۰ درصد ، مشکلات خانوادگی و پیوستن به سایر افراد خانواده که در کانادا زندگی می کنند ۷ درصد ، مشکلات مذهبی ۷ درصد ، مشکلات مالی ۳ درصد.

اما در ٤۰٦ نفر افراد مورد بررسی پژوهش دیلمقانی [۲] که ٤۹ درصد آنان مهاجر ، ۳۰ درصد آنان مهاجرانی که در زمان بررسی

---

* کارشناس ارشد علوم اقتصادی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

شهروند کانادا شده بودند که در آن میان ۱۷ درصد پناهنده بوده اند و نتایج آن در سال ۲۰۰۱ منتشر شده است .درصد وزنی عوامل موثر در مهاجرت به کانادا به شرح زیر بوده است :

دستیابی به زندگی بهتر (۳۱ درصد) ، به خاطر فرزندانشان (۲۳ درصد) ، به علت وضعیت اجتماعی ـ اقتصادی ایران (۲۳ درصد) و بنا به دلایل سیاسی ـ مذهبی (۲۲ درصد) اظهار کرده اند .

در سرشماری سال ۱۹۹٦ کانادا و با ۳۳۱۷ میلیون نفر جمعیت و ٤٥درصد مهاجر [۳] ، ٦٤٤٠٥ نفر خود را ایرانی خوانده اند . برآورد می شود که این تعداد در بر گیرنده مجموع ایرانیانی است که پس از تولد به این کشور آمده اند یا در کانادا و در خانواده های ایرانی متولد شده اند . جریان مهاجرت ایرانیان به این کشور از آغاز شدت گرفتن جریان مهاجرت از ایران رشدی فزاینده داشته است . در حالی که در دهه ۸۰ میلادی ، شمار ۲۲۰۰۰ ایرانی به کانادا مهاجرت کرده اند ، طی شش سال (۱۹۹۰تا ۱۹۹٦ میلادی) تعداد ۲۱٤۱۰ ایرانی مهاجر به کانادا آمده اند که رشدی برابر ٦۲درصد را نشان می دهد. به علاوه در شرایط کنونی نیز شواهدی در دست نیست که آهنگ مهاجرت ایرانیان به طور عام و به کانادا به طور خاص رو به کاهش گذاشته باشد . بنا به یک برآورد در زمان حاضر ۱۸۰ هزار پرونده درخواست مهاجرت فردی و خانوادگی ایرانیان در سفارت کانادا مفتوح است و موجی نو و گسترش یابنده از مهاجرت ایرانیان به کشورهای دیگر از سال ۱۳۷۷ به این طرف به راه افتاده است [٤] . از این رو بررسی موضوع مهاجرین به این کشور بویژه از جهت عرضه آگاهیها و اطلاعات به کسانی که در زمان حاضر یا در آینده قصد دارند که در این زمینه تصمیم گیری نمایند کاملا ضروری به نظر می رسد .

اصطلاحهای مهاجر و مهاجرت در این نوشتار به طور اعم در مورد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

مهاجران و پناهندگـان بـه نحـو یکسـانی بـه کـار بـرده شـده اسـت ، چـون از نظـر موضـوع ایـن مقالـه یعنـی توضیـح ویـژگیـهای کشـور میزبـــان تفـــاوت موجـود از نظـر موقعیـت و مراحلـی کـه پناهجویـان نـــاگزیرنـــد در جریـــان دسـتیابی بـه کسـب مجـوز مـهاجرت پشـت سـر بگذارنـد مـورد توجـه بـوده اسـت . مـهاجران سـرمایه گـذار و یـا کسـانی کـه در چـــارچـــوب مناســـبات بازرگانی به این کشور مهاجرت مـی کننـد یـا آنـان کـه بـه اتکـای منـابع مـالی از پیش فراهم آمده به مهاجرت اقـدام مـی کننـد و بـرای تـامین مـالی زنـدگـی در سـالهای نخسـتین اسـتقرار در کشـور میزبـان نیـازی بـه کـار کـــردن ، بـــه صـورت اسـتخدام نـزد کارفرمایـان در بـــازار کـــار ایـــن کشـــور ، ندارنـــد ، موضوع بررسی ایـن مقالـه نیسـتند .

۱- یک نگاه کلی

مـهاجر پـــس از تـــرک وطـــن خویـــش از شـــبکه مناســـباتی کـــه در آن می‌زیسـته ، بـا ان آشـنا بـوده ، بـه آن عـادت داشـته و از قـدرت عمـل نسـبی در آن برخـوردار بـوده و وی را از جنبـه هـای گونـاگـون عـاطفی ، اجتمـاعی، اقتصـادی و تـامین نیازمندیـها و امکانـات زنـدگـی و اطلاعـــات مـــورد نیـــاز پیشتیبانی می کرده جـدا مـی شـود . تحمـل چنیـن موقعیتـی بـرای فـرد آسـان نیست . فـــرد تـاره وارد جـا و مکـانی بـرای اسـتقرار نـدارد ، جـز بسـتگان یـا دوستان احتمالی کـه ممکـن اسـت در جامعـه میزبـان داشـته باشـد ، کـه آنـان نیز بـــه دلیـل شـرایط ویـژه زنـدگـی در ایـن گونـه کشـورها در اغلـب مـوارد قـادر نیسـتند کمـک و پشـتیبانی موثـر بـه او نمـایند ، بـــا شـــخص ، نـــهاد و موســـســـه ای آشـــنا نیســـت . مـــهاجر کـــار نـــدارد و در مـــورد آن دســـته از مهاجرینی که مورد توجه ایـن مقالـه انـد منبـع درآمـدی نـدارد و مـهمتر اینکـه اطلاعات مـورد نیـاز زنـدگـی در جامعـه جدیـد را نـیز در اختیـار نـدارد. اگـر چه ممکن اســت در بـدو ورود بـه کانـادا (نـه هـر جـا) انـواع دفـترچـه‌های اطلاعات در مورد دسترســی بـه مراجـع و منـابع مـورد نیـاز بـرای اسـتقرار در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

اختیار او قرار گیرد . اما این مجموعه اطلاعات معمولاً کافی نیستند ، ممکن است روز آمد نباشند ، به علاوه مصرف داشتن این اطلاعات به تنهایی برای تامین نیازمندیهای فرد تازه وارد کافی نیست . تجربه استفاده از این اطلاعات و نیاز به آگاهی از شیوه استفاده از آنها به اندازه خود اطلاعات کم است .

۲- بازار کار و اشتغال

موضوع کاریابی و استغال در کانادا مشکلی عام و کمابیش همگانی است . بنا به یک برآورد [۵] شهروندان کانادایی به طور متوسط در طول عمر کاری خود ۳۷ با کار عوض می کنند . اما این مسئله البته به عنوان دشوار و پیچیده ترین مسئله افراد مهاجر چهره متفاوتی دارد که پرداختن به آن ، دشواریهای انطباق با شرایط بازار کار در این کشور را به نحوه بارزتری آشکار می گرداند . ساختار بازار کار و نظام اشتغال در این گونه کشورها از بنیاد با بازار کار و نظام اشتغال در ایران تفاوت دارد . مهمترین عامل کار در عرصه پر رقابت " بازار آزاد " در این گونه کشورهاست که سیاستهای پائین نگاهداشتن سطح حقوق و دستمزد در جهت بیشینه کردن سود سرمایه از هر سو بر آن فشار وارد می آورد . از سوی دیگر عرف یا قاعده ای که بر استخدام پاره وقت ، دائمی یا موقت افراد در این کشور حاکم است به شدت بر ضرورت برخوردار بودن فرد مهاجر از " تجربه قبلی کار در کانادا " تاکید دارد . در حالی که آشکار است که مهاجران تازه وارد به این کشور تجربه کار در کانادا را ندارند ، در نتیجه این مشکل مانعی جدی در مقابل ورود مهاجران به بازار کار کانادا و همچنان محدودیتی مقاوم در برابر تداوم زندگی عادی آنان است .

بر اساس گزارش مرجع آماری کانادا [۳] در سال ۲۰۰۰ ، در حالی که بهروری بخش صنعت در اقتصاد این کشور در سال ۱۹۹۹ نسبت به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

سال قبل ۲/٤ درصد رشد داشته است (کارشناسان افزایش این مقدار از بهره‌وری را مخصوص تاثیر مستقیم افزایش نیروی کار دانسته اند) هزینه نیروی کار کاهش یافته است و به رغم رشد میزان تولید ناخالص داخلی به میزان ٤/۷ درصد در سال یاد شده ، هزینه نیروی کار تنها ۰/۲ (دو دهم درصد) افزایش یافته است . بنا به علل بر شمرده بالا بخش در خور توجهی از کل نیروی کار در این کشور به طور عام و بخش گسترده ای از مهاجران بویژه در دوران استقرار همواره با احساس ناامنی و تحمل و نرمش توانفرسا برای حفظ تداوم همکاری ناپایدار خویش با کار فرمایانشان رویارویند . مهاجر در چنین موقعیتی در برابر سه گزینه قرار می گیرند که عبارتند از :

تحمل بیکاری در انتظار دستیابی به کار مناسب ، گذراندن دروه های آموزشی که فرد را به دریافت گواهینامه رسمی کانادایی نائل سازد (که زمان بر و پر هزینه است و الزاماً تضمین دستیابی به شغل مورد انتظار را در پی ندارد) و بالاخره تن دادن به کارهای سخت و طاقت فرسا که افراد اندکی از عهده انجام آن بر می آیند (احتمال دارد که مدت آن بسیار طولانی شود و حتی تا مدتی جایگزین حرفه اصلی مهاجر گردد) *.

میشل گلدبرگ برای استان انتاریو که شمار درخور توجه از ایرانیان و ٦۰ درصد کل مهاجران در کانادا در این استان (و شهرهای بزرگ آن از جمله تورنتو ، اتاوا) سکوت دارند در بررسی که به مدت دو سال در مورد مهاجران دارای مدرک و تجربه " کار حرفه ای " که پس از سال ۱۹۹٤ به کانادا آمده اند، از طریق مصاحبه با ٦٤۳ نفر از آنان انجام داد،

* شماری از تکنسین های ایرانی در بدو ورود به کانادا برای تامین مالی زندگی خود و خانواده خود ناچار شده اند که به قبر کنی رو بیاورند تا در فرصت مناسب به جستجوی کار در زمینه حرفه اصلی خود بپردازند .

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

دریافته است که ٦٠ درصد از مهاجران تحصیل کرده در کشور موطن خویش ، در زمان ورود به کانادا به اشتغال در کارهای غیر مرتبط با حرفه خودشان پرداخته بودند و تا سه سال بعد در همان شغل معطل مانده اند [٦] . او همچنان آشکار ساخته است که نرخ بیکاری در میان مهاجران دارای مدرک و تجربه کار حرفه ای ۱۸/۲ درصد است که نسبت به متوسط نرخ بیکاری در استان انتاریو (٥/٤ درصد) ۳/٤ برابر است. بررسی او نشان داده است که ۹۷درصد از یکصد هزار مهاجری که هر سال به استان انتاریو وارد می شوند تحصیل کردگان کالج ها و دانشگاههای کشور موطن خویش هستند . او می افزاید مشکل مشغول نشدن مهاجران به کار در حوزه تخصصی و تجربی خویش نداشتن تحصیلات دانشگاهی نیست بلکه بزرگترین مانع ورود مرتبط با پیشینه تحصیلی و شغلی آنان در موطن خویش نداشتن " تجربه کانادایی " است. او تسلط نداشتن به زبان در میان مهاجران مورد بررسی را در پیدا نکردن شغل اصلی خویش در بازار کار در حد ۱٥/۳درصد موثر دانسته است .

راتنا امیدوار مدیر اجرایی طرح پناهندگی و مهاجرت بنیاد میتری در کانادا در کنفرانسی که نتیجه بررسی پیشگفته به آن ارائه شد گفت که ما آرزوهای این گونه افراد را متحقق نمی سازیم و تاکید کرد که باید آنان را پیش از ورود به کانادا در مورد ضرورت داشتن مجوز کار حرفه ای مورد قبول کار کانادا آگاه سازیم . اما دوگال اکوین مدیر شهروندی و مهاجرت کانادا در همان کنفرانس ضمن تاکید بر اینکه مدل گزینش مهاجران امیداوریهای نادرستی به مهاجران تحصیل کرده خارج از کانادا می دهد ، تصریح می کند که ما نمی توانیم آنان را به رگبار اطلاعات ببندیم ، مهاجران خودشان باید قبل از ورود نیازشان را فراهم آورند ، آنان تصمیمی اتخاذ می کنند که تمام زندگیشان را تحت تاثیر قرار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

می دهـد .

امـا وضعیـت اشـتغال ایرانیـان در کانـادا تصویـر خـاص خـود را دارد [۷]. نتایج بررسی کـه بـر مبنـای اطلاعـات آمـاری سـال ۱۹۹۱ انجـام شـده ، نشـان داده است کـه در ان زمـان در تورنتـو ، در بیـن تمـام گروهـهای ملـی ـ قومـی مهاجر ، ٦٨/٦درصد افـراد در بـازار کـار حضـور داشـته انـد و ٨٦ درصـد ایـن گـروه (یعنـی ٦٠ درصـد مجمـوع آنـان) از کـار تمـام وقـت برخـوردار بوده‌انـد . در حـالی کـه در همـان زمـان ٦٣ درصـد ایرانیـان در بـازار کـار حضـور داشـته انـد و از آن میـان ٨٣/٨ درصدشـان (یعنـی ٥٣ درصـد مجمـوع آنـان) کـار تمـام وقـت داشـته انـد ، در حـالی کـه نـرخ بیکـاری در بـزرگشـهر تورنتـو در آمـار گـیری سـال یـاد شـده ٩/٦ درصـد بـود، درصـد ایرانیان بیکار در آن زمان ٢٣/١ درصـد بـوده اسـت ، حـال آنکـه بنـا بـه نتـایج بررسی پیشـگفته ، ایرانـی هـا از لحـاظ مـیزان تحصیـلات از وضعیـت بـهتری نسبت بـه اکـثر ملیـت هـای دیگـر برخـوردار بـوده انـد . بررسـی دیگـری در مورد ایرانیان مقیـم سـوئد همچنـان تـائید مـی کنـد کـه ایرانیـان سـاکن سـوئد نـیز از نظـر درجـه تحصیلـی در صـدر فهرسـت تمـام گرووهـای مـهاجر در ایـن کشـور قـرار دارنـد ، بـا ایـن حـال نتیجـه گـیری بررسـی کننـده مطالعـه مزبور بیانگر آن اسـت کـه ایرانیـان در میـان گروهـهای مـهاجر کـم درآمـد در میان گروههای مهاجر بـزرگشـهر تورنتـو جـای دارنـد .

در خـور ذکـر اسـت کـه در بیـن ١٧٤ هـزار نفـر مـهاجری کـه در سـال ١٩٩٨ به کانادا آمده اند ٨١ هـزار نفـر آنـان کارکنـان متخصـص بـوده انـد کـه ٧٢ درصدشـان تحصیلکـرده دانشـگاههای معتـبر جـهان هسـتند و ایـن در حـالی اسـت کـه در مقـام مقایسـه فقـط ١٣ درصـد کـل جمعیـت کانـادا تحصیلکرده دانشـگاه هسـتند .

مشـکلاتی کـه مـهاجران در زمینـه کاریـابی دارنـد از سـویی دیگـر مشـکل بازار کار کانـادا و کارفرمایـان نـیز هسـت . وزیـر تجـارت و توسـعه اقتصـادی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

ایالت انتاریو اظهار داشته است که اقتصاد کانادا به زودی ، در چهار یا پنج سال آینده با مشکل بی سابقه کمبود کارکنان ماهر رو به رو خواهد شد ، او می افزاید که هر چه زودتر باید به گزینش افراد متخصص از میان مهاجران بپردازیم و در این راستا همراه دولت فدرال استراتژی رفع کمبود کارکنان ماهر را تدوین کنیم . این اظهار نظر بیانگر ناکارآیی جذب مهاجران متخصص است که از کاستیهای مدیریت منابع انسانی این کشور سرچشمه می گیرد . یکی از دلایل این ناکارایی این است که امور مهاجرت زیر نظر دولت فدرال انجام می گیرد ،اما زمانی که مهاجر به کانادا وارد می شود در یکی از استانها (ایالتها) سکنی می گزیند که امور آن در چارچوب مقررات خاص همان استان اداره می شود ، در نتیجه اگر فرد مهاجر در رشته ای تحصیل کرده باشد که کار در آن رشته تنها در چارچوب مقررات و ضوابط انجمن های حرفه ای آن استان امکان پذیر باشد ، مانند نظام پزشکی انتاریو یا اتحادیه مهندسان حرفه‌ای انتاریو که مقررات قبول متقاضیان را تعیین می کنند ، در این صورت تا انطباق شرایط خود با این ضوابط از کار کردن در زمینه کاری خویش محروم می ماند . ضمناً امر تطبیق شرایط نیز آسان نیست .

جفری ریتز استاد دانشگاه تورنتو در مطالعات اخیر خویش در یافته است که به رغم اینکه مهاجرانی که طی ۲۰ سال اخیر به کانادا آمده اند از نظر تحصیلی وضعیت بهتری از همتایان خود در زمانهای پیش از آن برخورد دارند ، اما طی این مدت درآمد آنان رو به کاهش گذاشته و به میزان موفقیت آنان کمتر بوده است [۸و۹] . او علت این کاهش را چنین توضیح می دهد که مهاجرین دهه ۷۰ با وضعیت اقتصادی کاملاً متفاوتی روبه رو بودند ، در آن زمان نرخ بیکاری پایین بوده و پیش بینی می کند که تعداد مهاجرینی که در آینده می توانند به موقعیتهای شغلی و حرفه ای با درآمد بالا دست یابند در حال کاهش است و با مشکلتر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

شدن شرایط استخدامی عملا از گردونه نیروی کار خارج می شوند .

۳- وضعیت مالی خانواده ها

بنا به گزارش شورای توسعه اجتماعی کانادا ۲۲ درصد خانواده های کانادایی که در سال ۱۹۸۱ به سرپرستی والدینی با سن کمتر از ۲۵ سال اداره می شدند فقیر ارزیابی شده اند ، در حالی که در سال ۱۹۹۷ این درصد به ٤٦/١ رسیده است [۱۰] . در بزرگشهر تورنتو خط فقر برای خانواده دو نفره در درآمد پس از کسر مالیات ۱۷۷۰۵ دلار کانادا و برای خانواده چهار نفره ۲۷۸۹۰ دلار کانادا در سال تعیین می شود . طی همان ١٦ سال پیشگفته در صد خانواده هایی که تحت سرپرستی والدین با سن بین ۲۵ تا ۳٤ بوده و فقیر به شمار می آمده اند از ۱۲ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۱۹ درصد در سال ۱۹۹۷ افزایش یافته است . شورای نامبرده همچنین اظهار داشته است که طی ۲۵ سال گذشته یک میلیون و سیصد هزار خانواده بر تعداد خانواده های فقیر در کانادا افزوده شده است و می افزاید برای ٤۰ درصد این خانواده ها دوران فقر بیش از شش سال به طول می انجامد . همین گزارش تاکید کرده است که خانواده ای کانادایی اکنون دو برابر گذشته در معرض فقیر شدن قرار دارند . طبق اطلاعات مرجع آمار کانادا به رغم تغییر در شیوه محاسبه خط فقر که به کاهش تعداد افرادی که در کانادا در زیر خط فقر زندگی می کنند انجامیده است ، هنوز ۱۲/۲ درصد کانادایی ها (۳/٦ میلیون نفر) زیر خط فقر زندگی می کنند . به گزارش یونیسف در سال ۲۰۰۰ ، ۱۵/۵درصد کودکان در کانادا در خانواده های فقیر زندگی می‌کنند که ممکن است نیازهای جسمی شماری از آنان تامین شود ، اما به نحو دردناکی از فعالیتها و بهره مندیهایی که هم سن و سالانشان از آن برخوردارند باز می مانند [۱۲].

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

اقتصاد کانادا دست کم در پنج سال اخیر روندی رو به رشد داشته است. اقتصاد این کشور در سال ۱۹۹۹ رشدی برابر ٤/٥ داشته و برآورد می شد که رشد اقتصاد در سال ۲۰۰۰ ، به ٤/۷ تا ٤/۹ درصد برسد و این کشور را در کنار ایالات متحده در میان هفت کشور صنعتی در بالاترین مرتبه قرار دهد . اما پیش بینی می شود که این رشد دست کم در سالهای نزدیک آینده به دلیل رکورد نسبی قریب الوقوع در ایالات متحد و به دلیل وابستگی عمیق اقتصاد کانادا به اقتصاد ایالات متحد کاهش یابد . رئیس بانک فدرال کانادا در سال ۲۰۰۱ اعلام داشت که نرخ رشد اقتصادی به دلیل رکود موجود به ۳ درصد کاهش خواهد یافت . به گزارش مرجع آمار کانادا مازاد تجارت خارجی این کشور در سال ۱۹۹۹ (تفاوت ارزش صادرات و واردات) ۱۹/٤ میلیارد دلار کانادا بوده است . یکی از گرایشهای عمده در سمت گیری اقتصاد کانادا گسترش خصوصی سازی و کاهش هزینه ها و وظایف دولت است که کم و بیش و با شدت متفاوت در ایالتهای مختلف کانادا در جریان است که از پیآمدهای مستقیم آن کاهش اعتبارات در بخشهای مختلف ، از آموزش و بهداشت گرفته تا کمک و خدمات اجتماعی ، بوده است . مارتا فرندلی از مرکز مطالعات شهروندی و اجتماعی دانشگاه تورنتو در انتقاد به کاهش بودجه تولید مسکن اجتماعی و آموزش و کمک هزینه مهد کودک کودکانی که والدین آنها به کار اشتغال دارند در بودجه ایالت انتاریو که دولت کنونی آن از پیشتازان خصوصی سازی در کشور کاناداست می گوید دولت ایالت یاد شده اکنون ۱۳ درصد کمتر از سال ۱۹۹۵ در زمینه کمک هزینه کودکان والدین شاغل هزینه می کند و این در حالی است که ایالتهای مانیتوبا و البرتا در زمان حاضر چیزی در حد همان سال ۱۹۹۵ یا بیشتر در این زمینه اختصاص می دهند . او چنین اقدامی را بیشتر از آن رو مایه شگفتی می داند که کشور کانادا در زمینه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

ارائه این گونه خدمات اجتماعی به شهروندانش همواره پیشگام بوده است . او میزان کاهش کاستن اعتبار در بودجه ایالت انتاریو را در فاصله سالهای ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ را ۷۲ میلیون دلار کانادا نشان داده است و افزوده است که این در حالی است که طی مدت پیشگفته اعتبار این خدماست اجتماعی در ایالت نیوفاندلند دو برابر شده و در ایالت کبک بیش از دو برابر افزایش داشته است . او همچنین نشان داده است که کمک های اجتماعی به والدین تنهایی که با یک فرزند خود زندگی می‌کند از ۱/۲۲۱ دلار کانادا قبل از اجرای سیاست کاهش بودجه های کمکهای اجتماعی به ۹۵۷ دلار کاهش یافته که در مقایسه با سال ۱۹۹۵ قدرت خریدی برابر ۸۸۵ دلار دارد . در همین زمینه گزارش دیگر بیانگر آن است که میزان هزینه دولت ایالت انتاریو در زمینه محیط زیست دو سوم کاهش یافته است .

٤- نظر سنجی از کانادائیها

نظر شهروندان کانادایی نیز در مورد کشورشان می تواند برای علاقمندان مهاجرت به این کشور در خور اهمیت باشد . نظر سنجی نمونه ای که در این زمینه انجام گرفته و تحلیلگران آمار اجتماعی نتایج آن را به کل جامعه قابل تعمیم می دانند اشکار ساخته است که کانادایی‌ها مانند امریکایی ها احساس می کنند که آزادی چندانی در برابر تصمیمات دولت ندارند و از قدرت سیاسی برخوردار نیستند . ۷۰درصد شرکت کنندگان در این نظر سنجی اظهار داشته اند که احساس می کنند با دولت رابطه ای ندارند . اینان عمدتاً عقیده دارند که دولت به نفع تجارت گام بر می دارد ، منتها هنوز مردم گرایش دارند که دولت در مورد مشکلات آنان چاره جویی کند . بدین ترتیب بیش از نیمی از کانادایی ها فکر می کنند که دولت مسئولیت دارد که به توزیع مجدد درآمد از طرف ثروتمندان به سوی فقیران بپردازند . آنان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

برخورداری از سلامت و محیط زیست سالم را حتی بر ارزشهای خانوادگی ترجیح می‌دهند . ۷۶ درصد کانادایی‌ها (منهای اهالی کبک) اظهار داشته اند که زندگی در کانادا برای آنان غرور آفرین است . بررسی پیشگفته همچنان نشان داده است که کانادایی‌ها عموماً مردمانی صبور و خوشبین اند که تحلیلگران بر خورداری از چنین منشی را معمول چند فرهنگ بودن کشور کانادا می دانند . نظر سنجی پیشگفته در عین حال آشکار ساخته است که اکثریت قابل توجهی از مردم کانادا گسترش خصوصی سازی را فاجعه آمیز ارزیابی می کنند .

موضوع حمایت از آزادیهای فردی در کانادا بر طبق قانون ، موضوعی جدی است ، دامنه آن به گستردگی تنوع نیازها ، علائق ، دلبستگیهای افراد و گروهها و قومیتها گسترده است و مرزهای آن را تنها حقوق دیگران تعیین می کند . در این کشور هر کس از هر نژاد ، دین ، عادات اجتماعی و شیوه زندگی مورد حمایت قانون است ، برای نمونه در هر اتوبوس درون شهری افرادی از نژادهای گوناگون با لباسهای کاملاً متفاوت را می توان دید ، بدون آنکه کسی حق هر گونه رفتار متعرضانه به فرد یا افراد متفاوت با خویش را داشته باشد و یا به طور کلی کسی نیازی به چنین رفتاری احساس کند ، این خصوصیت در این جامعه به گونه ای نهاده شده است ، که تفاوت امری بسیار عادی جلوه می کند . وجود نگرش ها و کنش های تبعیض آمیز مورد توجه در بخشهای پیشین معلول نبود فرض قبول تفاوت افراد با یکدیگر نیست ، این کاستی از علل و عوامل ساختار اقتصادی این جوامع سرچشمه می گیرد .

۵. مشکل زبان

اگر آشنایی یا یادگیری زبان دوم خارج از زیست بوم آن بیشتر بر آشنائی با معانی واژه ها و قاعده های دستوری بر طبق قاعده آن متمرکز

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

است ، اما در جایی که زبان مورد بررسی زبان مادری مردمان آن سرزمین است ، زبان ابزاری برای ارتباط موثر خواهد بود . بر این اساس کاربرد بر طبق قاعده آن با مهارتهای منضم به کار بست ارتباطی آن پیوند می خورد و کنش پیچیده تری را پدید می اورد . این چگونگی شاید به تسامح با گاهی از شیوه راندن اتومبیل و یا آگاهی از فنون شناگری در مقایسه با عمل رانندگی و شنا کردن مقایسه پذیر باشد . مطالعات کاربرد ارتباطی زبان در کانادا نشان داده است که ارتباط موثر بین فردی از طریق زبان در این کشور در درجه اول به میزان ۵۵درصد وابسته به حرکات پیشتیبانی کننده بدنی (زبان ـ اندام Body language) است ، به میزان ۳۰درصد به لحن (Tune) گوینده و تنها به میزان ۱۵درصد به واژگان مورد نیاز بستگی دارد .

آشکار است ، این تقسیم بندی وجه معنا رسانی زبان که کاربرد واژگان درست و دقیق را ایجاب می کند ، نفی نمی کند ، بلکه توجه می دهد که اگر هم واژگان برگزیده و درستی برای بیان مفهومی در چار چوب قواعد دستوری مناسب و مرتبط به کار گرفته شود ، اما با حرکات بدنی هماهنگ با بیان به کار زنده زبان همراه نباشد ، و با لحنی یکنواخت و بدون کاربست فرود و فرازهای لحن و شدت و ضعفهای موزون آوایی همراه نباشد ، ارتباط موثری از آن دست که مخاطب را به درک تمامیت منظور گوینده و به واکنش پیش بینی پذیر بر انگیزند ، فراهم نمی سازد . شواهد روزمره از مناسباست و محاورات روزمره زندگی مهاجران از اقصی نقاط جهان در کانادا مثالهای بیشماری را در این زمینه فراهم می آورد که فرد به رغم انتخاب واژگانی درست و بجا و قرار دادن آن در قواعد مناسب و اداری به موقع و مرتبط با موقعیت در صدد انتقال اطلاعات و منظور خود به فردی بومی برآمده است ، اما با واکنش تعجب بر انگیز مخاطب خود رو به رو شده که اصلاً منظور

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

گوینده را درک نکـرده است و حتـی پـس از آنکـه گوینـده منظـور و انتقـال پیام خـود نشـده است . از سـویی دیگـر کـاربردی موثـر زبـان بـه شـدت بـه زمینـه مناسـباتی کـه در آن بـه کـار گرفتـه مـی شـود بسـتگی دارد . واژگـان ، لحـن و رفتـار بیـانی کـه هـر یـک از مـا در جامعـه خودمـان در برقـراری ارتباط با همکاران در محیـط کـار ، بـا آنچـه در برقـراری ارتبـاط بـا پزشـکان، بـا مسـئولان در مراجـع رسـمی و ارتباطـات رسـمی و در هـر مـورد بسـته بـه اینکه موضوع ارتبـاط چیسـت ، متفـاوت اسـت .

بر همین منوال بـا توجـه بـه وجـود عرفـهای متفـاوت حـاکم بـر مناسـبات اجتمـاعی متفـاوت در هـر جامعـه ، برقـراری ارتبـاط موثـر در جامعـه مـیزان آگـاهی از عرفـها و سلسـله مراتـب مناسـبات منطبـق بـر هنجارهـای رفتـار و مناسـبات اجتمـاعی جامعـه جدیـد نیـاز دارد . بـرای نمونـه در کانـادا و جوامع همسـان آن در برقـراری ارتباطـات بیـن فـردی در هـر موقعیتـی تـاکید جـدی بـر انتقـال سـریع ، مسـتقیم و بـی واسـطه منظـور گوینـده و نویسـنده وجـود دارد و منعـی جـدی در مـورد طـرح غـیر مسـتقیم (حاشـیه رفتـن) در انتقـال موضـوع وجـود دارد ، از درج و ذکـر القـاب و ادای احترامـات منظـم به زدن پرهیز می شود که ملاحظـه مـی شـود در ایـن زمینـه تفـاوت جـدی بـا موقعیتـهای همسـان در جامعـه مـا وجـود دارد . از ایـن رو چـون بـه کـار برنـدگـان هـر زبـان در کـاربرد زبـان خـود بـه الگوهـای متکـی بـه عرفـهای اجتمـاعی مرتبـط وابسـته انـد ، تغییـر ایـن الگوهـا کـه اختصاصـا همزمـان بـا کاربردکـه جانبـه زبـان دیگـر ظـاهر مـی شـود ، در آغـاز زنـدگـی در جامعـه جدید کار چندان آسـان نیسـت و حتـی ممکـن اسـت در همـان بـدو ورود بـه ظهور احساس نگرانی یا تردیـد در اعتمـاد بـه نفـس حـاصل از نـا آشـنا بـودن بـا عرفـهای پیشـگفته در فـرد مـهاجر منتـهی شـود . عـلاوه بـر وجـود بـر شـمرده کـاربرد ارتبـاطی زبـان ، قواعـد اسـتدلال و تحلیـل و واکنـش نسـبت بـه رویدادهـا نـیز در جامعـه هـای متفـاوت کـم و بیـش متفـاوت اسـت کـه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

الگوها و رفتارهای زبانی متفاوتی را ایجاب می کند . برای نمونه موضع گیری مردم جامعه ما در برابر رفتارهای کمتر پسندیده یا ناپسندیده دیگران هیجانی و معمولاً شدید است ، در حالی که چنین واکنش هایی در این گونه جوامع معمولاً استدلالی و البته با جدیت همراه است . به دلیل وجود این گونه تفاوتها نیز دستیابی به موقعیتی که فرد مهاجری ، که قبلاً تجربه عملی کاربرد زبان انگلیسی فرانسه را در حداقلی از کارایی نداشته باشد ، بتواند به خوبی از عهده برقراری ارتباط موثر در جامعه میزبان براید به گذشت زمان به نسبت در خور ملاحظه نیاز دارد . دکتر زی برگر ، استاد مدرسه عالی نورنبرگ آلمان در این زمینه تا آنجا پیش می رود که می گوید این زبان مادری است که به وطن معنا می بخشد .

٦- وضع خاص مهاجران ایرانی در کانادا

افزون بر مسائلی که به عنوان مسائل مبتلا به مهاجران به طور کلی در بخشهای بالا به ان اشاره شد در این قسمت مسائل مبتلا به ایرانیان مهاجر در کانادا بررسی می شود .

موضوع مهاجرت یکی از مقوله های گسترده مطالعات جامعه‌شناسی کشورهای مهاجر پذیر است که ضمن هم راستایی با گسترش مهاجرت در این کشورها بر توسعه این گونه مطالعات و تنوع آن نیز افزوده شده است . برخی از این گونه مطالعات به موضوع فرایند سازگاری یا دلائل ناسازگاری مهاجران و مشکلات آنان در جامعه مهاجر پذیر پرداخته است و شمار در خور توجهی نیز به مسائل مبتلا به جوامع مهاجرپذیر در ارتباط با زندگی مهاجران در این کشورها و پیامدهای اجتماعی آن پردازد . از این میان برخی تاثیر مهاجرت را بر افراد یا گروههای قومی مهاجر بروز گونه ای روان پریشی پایدار در مهاجران ارزیابی می کنند و علاج آن را تنها بازگشت فرد به وطن خویش می دانند ، اگر چه این

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

گونه مطالعات همچنان نشان داده اند که افرادی نیز که تجربه طولانی اقامت در کشورهای مهاجر پذیر را پشت سر می گذارند نیز به آسانی قادر به هماهنگی با جامعه خویش در صورت بازگشت نیستند .

از نظر هایده مغیثی جامعه شناس و استاد دانشگاه یورک در کانادا و همکار او هارک جی گودمن در بررسی که در میان ایرانیان مقیم کانادا انجام داده اند و در سال ۱۹۹۹انتشار یافته است [۱۳] جابجایی و مهاجرت مستلزم تغییرات بسیار عمده ای در زندگی انسان است . به زعم آنان اینکه این تغییرات چگونه جذب و پذیرفته شده یا موجب بروز چه تناقضات دورنی مداوم و فرساینده می شود بسته به موقعیت اجتماعی و اقتصادی و گرایش ایدئولوژیک افراد با هم تفاوت دارد . آنان دریافته اند که با طولانی شدن جدایی از وطن و ضعیف شدن احتمال بازگشت کم کم حس فوریت تامین نیازهای اولیه کاهش می‌یابد، در عوض فرد می ماند و احساس گنگ تهی بودن ، گم گشتگی فرهنگی ، انزوا و نیاز شدید به احساس تعلقی تازه ، و این در حالی است که بنا به یافته های آنان امکان ایجاد شدن احساس تعلق به جامعه میزبان بسیار ضعیف است . آنان تامید می کنند که علاوه بر تفاوتهای طبقاتی ، نژادی و دیدگاههای سیاسی مختلف ، احساس عمیق "متفاوت بودن " و " نادیده گرفته شده " ایجاد احساس تعلق به سرزمین تازه برای مهاجران را دشوارتر می کند . چنانکه پیش ار این نیز گفته شد از نظر پژوهشگران نامبرده الگوی سازگاری گروههای مختلف مهاجران ایرانی برای سازگاری با جامعه میزبان با هم تفاوت دارد ، به نحوی که یک گروه کوچک مهاجران ثروتمند در سازگار شدن با زندگی در جامعه کانادا با مشکلی جدی روبه رو نیستند از دیدگاه پژوهشگران نامبرده مهاجران از طبقه متوسط و عمدتاً تحصیل کرده ، متخصصان و کسانی که از مهارتهای حرفه ای برخوردارند و اکثریت مهاجران ایرانی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

را تشکیل می دهند با دستوریهای جدی برای دشواریهای جدی برای سازگاری روبرویند .

به گزارس مغیثی و گودمن بر پایه مطالعاتی که در مورد ایرانیان مهاجر در فرانسه ، انگستان ، سوئد و کانادا انجام گرفته است زنان بهتر ار مردان با کنده شدن از جامعه بومی کنار می آیند . این بررسی ها آشکار ساخته است که سازگاری با زیستگاه جدید ، علاقمندی به یادگیری ، گزینش راههای تازه و بیشتر چشم به آینده و نه گذشته داشتن ویژگی هایی است که به زنان ایرانی کمک می کند در مقایسه با مردان با دشواری کمتر از عهده سازگاری با شرایط جدید برایند .آنان این چگونگی را چنین توضیح می دهند : " این تفاوت میان زنان و مردان مستقیماً به دشواری بیشتر سازگار شدن با جامعه ی جدید برای مردان مربوط است و به نظر می رسد که از نظر مردان تمام جنبه های زندگی اجتماعی در کشور میزبان دست اندرکار توطئه ای بر علیه اقتدار و احساس اطمینان فردی مرد است . مرد نقش خود را به عنوان حامی و نان‌آور خانواده از دست می دهد . به احتمال زیاد ، به عنوان مهاجر یا... پناهنده ای کم درآمد ، مرد ناچار است معیشت خود را با پرداختن به شغلی پایین تر از قابلیتهای تحصیلیش تامین کند . در خانه نیز مرد کنترل خود بر خرجی خانه و رفتار فرزندان را از دست می دهد . مشکلات اقتصادی و از دست دادن دوستان و موقعیت اجتماعی ، مرد را به لحاظ عاطفی عمیقاً آسیب پذیر می کند و توانایی او را در برقراری ارتباط با دیگران کاهش می دهد . نژاد پرستی پیدا و پنهان در جامعه میزبان ،تنزل موقعیت شغلی و نقش مرد در خانواده که دست به دست هم می دهند تا مرد احساس کند هر قدر هم سخت تلاش کند هرگز موفق نخواهد شد ... "

دکتر زی برگر [۱٤] نیز که بیشتر از نظریات او درباره موقعیت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

مهاجران یاد شد بر تفاوت موقعیت زنان مهاجر در مقایسه با موقعیت مردان تاکید می کند . او شروع به زندگی در مهاجرت را برای زنها همراه با فشار زیاد ارزیابی می کند و می گوید آنان در این موقعیت اغلب ناگزیر می شوند نقش همسر ، مادر ، آشپز و مربی را بطور همزمان بر عهده بگیرند و این در حالی است که از هر گونه حمایت فرهنگ خودی محرومند و برای تربیت فرزندان خود اغلب مجبورند به ارزش ها و قواعد کشور میزبان رجوع کنند که ازشهای آن برای آنان ناآشناست . او این شکاف فرهنگی را در موارد بسیار عامل بحران هویت در روابط خانوادگی توضیح می دهد . بنا به یافته های او برای مردان مهاجر نیز ترک نقش مرد بودن عامل موثری در بروز بحران هویت در آنان است . به گفته وی مردان در این موقعیت در می یابند که در جامعه جدید سنتها و ارزشهای فرهنگی قبلی وابسته به جنسیت مرد دیگر کارآمد نیست . به نظر او مهاجرت برای مردان یعنی در خود فرو رفتن و منزوی شدن . او در مورد فرزندان مهاجران توضیح می دهد که به رغم اینکه آنان سریعتر با ارزشهای فرهنگی سرزمین میزبان آشنا می‌شوند و با آن خو می گیرند ، اما آنان نیز اغلب به صورت همزمان و در دو دنیای متفاوت از هم رشد می کنند ،در خانه با ارزشها و سنتهای فرهنگی سرزمین مادری زندگی می کنند و در خارج از خانه دنیای سرزمین میزبان را تجربه می کنند و در این فرایند هم در سرزمین مادری و هم در سرزمین میزبان بیگانه تلقی می شوند .

زی برگر در مطالعات خویش در یافته است که در مهاجرت همزیستی دو نسل ، نسل مادر و پدر ، و نسل بعدی دستخوش تغییر می‌شود . محسن حیدریان طول مدت بحران مهاجرت از آغاز ورود مهاجر به جامعه میزبان تا استقرار نسبی را بین سه تا ده سال ذکر می‌کند که اغلب پژوهشگران حوزه مهاجرت در این مورد با یکدیگر توافق

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

دارند . او و برخی دیگر بحران مهاجرت را با نظر حاشیه نشینی دو گانه (انصاری ، عبدالمعبود [۱۵]) توضیح می دهند . انصاری حاشیه نشین دو گانه در مفهوم دقیق آن ، یک مهاجر ناخواسته است که در هر دو جامعهٔ میهن و میزبان یک عضو کامل به مشار نمی رود . هر دو موقعیت در میهن و دو خراج . برای او مستمل بر برخی از عناصر بی اعتمادی تعلق نداشتن و نا امنی است " .

بنا به تفسیر حیدریان [۱٦] یکی از ویژگیهای نسل اول مهاجران (پدران و مادران مهاجر) فقدان احساس تعلق جدی به جامعه میزبان است . او می گوید تاکید مهاجران نسل اول بر " ما " و " آنها " به سادگی مفهوم حاشیه نشینی را توضیه می دهد . بنا به توضیح او در این‌باره حاشیه نشین انسانی دو کرده است در فاصله دو جمعیت یا جامعه متمایز ، مایل نیست یا به گمان نگارنده نمی تواند (و ضرورتی هم ندارد) که از گذشته خود ببرد و جامعه میزبان نیز او را به تمامی نپذیرفته و یا هرگز نخواهد پذیرفت . احساس حاشیه نشینی و نداشتن یک نقش که در ارزشها و ساختار جامعه میزبان همواره و با درجات گوناگون گریبان گیر مهاجراست . حیدریان تاکید می کند حتی کسانی که به اندازه عمر متوسط یک انسان در خارج از کشور زادگاه خود زیسته اند از احساس حاشیه نشینی در امان نیستند . او حاشیه نشینی را مفهومی هم عاطفی و هم اجتماعی توصیف می کند که حتی برخوردار شدن از دارایی و ثروت و موقعیت تحصیلی و شغلی نیز ، دست کم در نسل اول مهاجران قادر به زدودن پیآمدهای آن نیست . حیدریان البته می افزاید که به رغم دشواریهای پیشگفته ، اکثر ایرانیان با بیرون آمدن از بحران مهاجرت (که چنانکه پیش از این گفته شد بین سه تا ده سال به طول انجامد) کم و بیش به انسانهایی مستقل ، دارای افق دیدی گسترده و عقلانی که کمبودهای هر دو کشور و فرهنگ خودی و میزبان را با

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

دیدی انتقادی می نگرند تبدیل مـی شـوند . او تـاکید مـی کنـد کـه نـه تنـها بـا طولانـی شـدن اقـامت ایرانیـان در کشـورهای غربـی احسـاس تعلـق ملـی و فرهنگی آنان کـاهش نمـی یـابد بلکـه چنیـن احساسـی کـم و بیـش در نسـل دوم نیز ادامه مـی یـابد .

در بررسـی انجـام شـده کـه بـه وسـیله "انتشـارات زنـان ایرانـی کانـادا" منتشـر شـده در میـان مـهاجران بـزرگشـهر تورنتـو پاسـخگویان مشـکلات خـود را در زمـان بررسـی (۱۹۹٤) ازجمـع ۳٤۳ مـورد مشـکل چنیـن اظـهار کرده اند : مشـکل زبـان ٤۱ مـورد ، مشـکل کـار ٥٤ مـورد ، مشـکل مـالی ٥۲ مـورد ، احسـاس دوری از وطـن ۳۱ مـورد ،ناهمـاهنگی فرهنگـی ۲۳ مـورد، احسـاس بیگـانگی ۱۳ مـورد ، نداشـتن هـم صحبـت دوسـت و خویشـاوند ۱٤ مـورد ، مشـکلات خـانوادگـی ۱۸ مـورد ، مشـکلات روانـی و عـاطفی ۲٥ مـورد ، مشـکلات تحصیلـی و آموزشـی ۲٥ مـورد ، مشـکلات خصوصـی ۱۹ مـورد ، مشـکلات مسـکن ۱٥ مـورد و ناراحتیـهای جسـمانی ۱۳ مـورد . امـا ٤۰٦ نفـر پاسـخگویان بـه پرسشـنامه پژوهـش دیلمقـانی و گودمـن منتشـر شـده در سـال ۲۰۰۱ ، در میـان ۸۳۳ مـورد اشـاره بـر مشـکلات خـود ، در زمـان بررسـی کـه پـس از سـال ۱۹۹۷ انجـام گرفتـه مشکلاتشـان را بـه ایـن شـرح آشـکار سـاخته انـد : بیکـاری ۱۱۹ مـورد ، مشـکل زبـان ۱۲۰ مـورد ، نداشـتن دوسـت ٥۸ مـورد ، نداشـتن شـریک زنـدگـی ۲۱ مـورد ، احسـاس انـزوا و تنـهایی ٤۷ مـورد ، مشـکلات عـاطفی ٦۳ مـورد ، نداشـتن انطبـاق ٤٦ مـورد ، مسـائل خـانوادگـی ۲۷ مـورد ، مسـائل آموزشـی ۲٤ درصـد ، عـدم اشـتغال در حرفـه خـود ۱۱۱ مـورد ، تفاوتـهای فرهنگـی اجتمـاعی ٥۳ مـورد، نداشتن دسترسـی بـه کـارآزموی ۱٦ مـورد و سـایر مسـائل ٤٤ مـورد . از ایـن میـان در ۷٤ مـورد بـه نداشـتن هـر گونـه مشـکل اشـاره کـرده انـد . پاسـخگویان پژوهـش اخـیر در ۱۲۱ مـورد بـه وجـود مشـکلات بـا فرزندانشان تاکید کـرده انـد کـه از ایـن میـان مشـکلات تحصیلـی ، مشـکلات

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

تربیتی ، فرهنگی – اجتماعی – اخلاقی فرزندان از فراوانی بیشتری برخوردار بوده است . ۳٦۳ نفر از پاسخگویان همین بررسی در پاسخ به این پرسش که آیا با مشکلات خانوادگی رو به رو هستید ، در ۱٦۱ مورد به وجود چنین مشکلات ، مشکلات فیمابین همسران در مورد نداشتن ارتباط باز با یکدیگر ، مشکلات مالی ، اختلاف نظر در شیوه تربیت فرزندان ، رفتار خشن همسر از فراوانی بیشتر برخوردار بوده است . از میان مشکلات خانوادگی در ٦٦ مورد به مشکلات بین والدین و فرزندانشان اشاره شده است .

بررسی شدگان در پژوهش دیلمقانی میزان رضایتشان را از زندگی در کانادا چنین توصیف کرده اند : بسیار راضی ۱٦ درصد ، راضی ۵۱ درصد ، بی تفاوت ٦ درصد ، بسیار ناراضی ۷ درصد ، مطمئن نیستند ۱۵ درصد ، بدون پاسخ ۵ درصد . همین پاسخدهندگان در پاسخ به اینکه مایلند که به ایران برگردند چنین اظهارنظر کرده اند : نمی خواهند بازگردند ۳٦ درصد ، نمی توانند بازگردند ۱٤ درصد ، عجله ای ندارند ۲۱ درصد ، می کوشند ۳ درصد ، نمی توانند ۱۵ درصد ، پاسخ نداده‌اند ۱۱ درصد . یافته های بررسی منتشر شده به وسیله انتشارات زنان ایران کانادا در سال ۱۹۹٤ در این زمینه کم و بیش همین تصویر را ارائه می‌کند با این تفاوت که درصد کسانی که گفته اند نمی توانند بر گردند در بررسی سالا ۱۹۹۷ به بعد نسبت به برررسی سال ۱۹۹٤ کاهش در خور توجهی داشته است .

چشم انداز آینده

شواهد متعدد که برخی از آن میان در این مقاله به آن اشاره شد بیانگر آن است که مهاجرت از ایران به دیکر کشورها واز جمله به کانادا رو به افزایش است. از سوی دیگر کشور کانادا نیز از سال ۲۰۰۰ در نظر گرفته است که مهاجران بیشتری را از اقصی نقاط جهان بپذیرد که

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

احتمال سهمیه پذیرش مهاجر از ایران نیز رو به فزونی خواهد گذاشت. بررسیها در مورد چگونگی استقرار وسازگاری ایرانیان با کشورهای مهاجر پذیر آشکار ساخته است که مهاجران ایرانی در مقایسه با مهاجران از دیگر کشورها در امر مهاجرت از توفیق نسبی برخوردار بوده اند میزان رضایت مهاجران ایرانی از زندگی در کانادا و نبود علاقه به بازگشت به ایران نزد آنان که در بالا به آن اشاره شد نیز از توفیق نسبی آنان در استقرار در کانادا سرچشمه می گیرد . در تفسیر این دو گونگی باید بیش از هرچیز برنسبی بودن احساس رضایت آنان وعدم علاقه آنان به بازگشت در مقایسه با شرایط پیش بینی پذیر زندگی از نظر آنان در ایران توجه حدی مبذول داشت عامل در خور توجه دیگری که در زمینه موفقیت نسبی ایرانیان در امر مهاجرت نقش داشته ودر اغلب منابع مربوط به مهاجرت ایرانیان بر آن تامید شده است این است که بیشتر مهاجران ایرانی را افراد از طبقات متوسط به بالا تشکیل می‌دهند و عامل مهم دیگر در این زمینه سطح بالای تحصیلی آنان است که پیش از این مورد بحث قرار گرفت . همچنین همزمان با گسترش هر جامعه ی قومی در کشور مهاجر پذیر جریان استقرار اعضای آن جامعه در کشور جدید به طور نسبی آسان تر می شود . بازتاب چنین وضعی در میان ایرانیان گرایش به مهاجرت نزد آنان را که در ایران به هردلیل با احساس نارضایتی وناکامی پایدار روبرویند افزایش خواهد داد ومهاجرت به عنوان گزینه ای جدی در آینده ودست کم در میان مدت برای محل استقرار و زندگی تداوم خواهد یافت .

وجود گرایش رو به افزایش مهاجرت از ایران ایجاب می نماید که کسانی که درصددند که در این زمینه اقدام نمایند تصمیم خود را بر پایه شناخت واقعیتهای رویداد مهاجرت وپیآمدهای آن استوار نمایند ، آنان باید در حد امکان بکوشند تا کم وبیش تصویری از اهداف وانتظارات

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

خـود از مـهاجرت داشـته باشـند وحداکـثر کوشـش خـود را بکـار گـیرند تـا بتواننـد بـه اطلاعـات مـورد نیازشـان دسـت پیـدا کننـد وبـرآوردی از امکـان دسـتیابی بـه انتظاراتشـان بـه دسـت آورنـد یـا دسـت کـم تصویـری نسـبی از موقعیتـی کـه پیـش روی آنـان قـرار خواهـد گرفـت داشـته باشـند . بـه نظـر نگـارنده ایـن مقالـه بـه رغـم بررسـیهای بسـیاری کـه در زمینـه مـهاجرت وپیآمدهای آن انجـام گرفتـه کـه جملگـی آنـان دارای اهمیـت بسـیار اسـت اما ضروری مـی نمـاید ایـن موضـوع بـا ژرفـای بیشـتری مـورد بررسـی قـرار گـیرد . زمینـه‌های مـورد بررسـی مـهاجرت اغلـب بـه مسـائل مـالی اشـتغال وسـطوح آمـار مشـکلات فرهنگـی وخـانوادگـی وهمزیسـتی مـهاجران اختصـاص یافتـه اسـت کـه همـه ابعـادپیآمدهـای مـهاجرت را آشـکار نمی‌سـازد بـرای مثـال اغلـب بررسـیها در ایـن زمینـه بـه بررسـی وضعیـت و موقعیـت بـزرگسـالان در چـارچـوب مناسـبات کـار ومناسـبات خـانوادگـی پرداختـه انـد ، حـال آنکـه شـواهد بسیاری وجـود دارد کـه آثـار مـهاجرت برشـخصیت ، حلـق وخـو ، سـاخت عـاطفی و نیروهـای شـناختی کودکـان و نوجوانـان موضوعـی جـدی اسـت کـه در صـورت ناشـناخته مـاندن زنـدگـی خـود آنـان و متعاقبـا زنـدگـی خـانوادگـی مـهاجران را تحـت تـاثیر قـرار می‌دهد، بی آنکه علـل وعوامـل آن بـرای اعضـای خـانواده بـه درسـتی روشـن گردد تا بتواننـد بموقـع در پـی چـاره جویـی بـر آینـد . مثـال دیگـر اینکـه در بسیاری مـوارد فـرد اعضـای خـانواده پـس از مـهاجرت بـه قضاوتـها وسـمت گیریـهای متفـاوت وبعضـاً پیـش بینـی نشـده نسـبت بـه یکدیگـر می‌رسـند و رویکردهـای متفـاوتی نسـبت بـه موقعیتشـان در جامعـه میزبـان نشـان می‌دهنـد .

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

منابع :

1. Iranian immigrants and their problems ' a study on the emotional impact of immigration on Iranian Immigrants and refugees, *Iranian woman pubications of Canada* , Toronto , 1994 .

2. We are listening ": prepared by Shokofeh Dilmaghani , family service association of Toronto , 2001 .

3. Who are we " (a national report) : *The Toronto Star* , July 7, 2000

٤. غریبه در سرزمین غریبه ها – علل مهاجرت ایرانیان : دکتر نوید آزادی، *شهروند* (هفته نامه ایرانی کانادا) شماره های ٤٥٢ ٤٥٦ (٢٨ ژانویه تا ٢٥ فوریه سال ٢٠٠٠).

٥. مشکل کاریابی مهاجران تحصیل کرده در کانادا : *سرمایه* (هفته نامه ایرانی کانادا)، ١٣ جولای سال ٢٠٠٠

٦. تبعیض نژادی ، عامل اصلی نقض حقوق بشر در انتاریواست : *ایران استار* (هفته نامه کانادایی– ایرانی – فارسی زبان تورنتو) هفتم جولای ٢٠٠٠.

٧. محسن حیدریان ، هویت ایرانی وایرانیان ساکن غرب : *سایت اینترنتی فارسی* ایران امروز

http: /www. Iran – emrooz de/ maqai / hoviat ١٣٧٩آبان ١٩ پنجشنبه (819

8. ' A new wave of migration' : Translated for payvand . com by Kaveh Basmenji , http : // www. Payvand . com / news / 00 / jun / 1074.htmi.

9. New comers first jobs are critical : study : *the Toronto star* , March 25, 2000.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

۱۰. ۳/٦ میلیون کانادایی زیر خط فقر زندگی می کنند : *ایران استار* (هفته نامه کانادایی – ایرانی – فارسی زبان تورنتو) ١٦ ژوئن ۲۰۰۰.

11. 'More young families live in poverty ...' *Toronto Star* . July 19,2000.

12. '15.5 percent of Canadian kids poor : UN' : *The Toronto Star*, June 13,2000.

۱۳. مهاجرت خشونت وفرهنگهای خشن : یک بررسی مقدماتی در میان ایرانیان مقیم کانادا ، *شهروند* (هفته نامه ایرانی کانادا) ، جمعه ۱۹ اسفند ۱۳۷۹.

١٤. فرهنگ قومی تکیه گاهی در مهاجرت : دکتر زی برگر ، *سایت اینترنتی فارسی ایران امروز* .

چهارشنبه دوم آذر http:/www. Iran – emrooz . de / maqai / seeber 902 . htm.

۱۵. دکتر عبدالمعبود انصاری *ایرانیان مهاجر در ایالات متحده ؛ پژوهشی در حاشیه نشینی دوگانه* ، ترجمه دکتر ابوالقاسم سری، (تهران، نشر آگه ١٣٦٩)

16. Payvand com by Kaveh Basmenji , http // www- payvand . com/ news / 00/ jun/1074.htmi.

17. 15.5 percent of canadian kids poor : UN ": The Toronto Star. june 13,2000 More young families live in poverty ... The Toronto Star, july 19,2000

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]